

عیناً در تحت دو عنوان مکرر و دو عدد متوالی (۷۵ و ۷۶) ضبط نموده است .

در خاتمه یاد آور میشویم که چون در تألیف این کتاب مراعات ذکر اسمی و عنوانها به ترتیب حروف نوشته نشده است هایک فهرس (انقبائی) بر آن افزودیم تا جویندگانرا دلیل راه باشد .

اصفهان اول تیر ماه ۱۳۳۴

ب . ا .

تذکره خزین

شامل:

احوال یکصد نفر از علما و بزرگان
و شعرای او آخر عهد صفویه

بقلم شیخ محمد علی حزین

چاپ دوم

۱۳۳۴

از انتشارات کتابفروشی تأیید اصفهان

چاپخانه پروین - اصفهان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عاشی اللہ حمد بیچوی کہ اور ای بریشان مجموعه کون و مکان را
برشته ایجا د شیرازه بسنه و از ترکیب ظلمت و نور عدم و ظهور ، صفحه
ساده امکان را ، چندین نقش و نگار غریب آراسته ، در حیطه وسعت کدام
بیان و بردمه طاققت کدام لسان است نظم :

ای بر نواز آنکه داند احراق سپجانبك نحن هما عرفناك

اندیشه انك هر د ره نیست پروانه حریف شمع مه نیست

بیهوده نهر د چه بر فرورد اینجا پر جبرئیل سوزد

رحمتش را زهی وسعت عرصه و فصاحت ساحت که محفل انتظام نوع انسان
را از انوار کواکب قدسی مناقب انبیا سلام الله علیهم روشنی افروده ، نهایت
مغارب فترت هر يك را باهداء مطالع ظهور دیگر ی توام ساخته

این سلسله را بخلوع کوب در یوقد من شجرة مبارکه اعنی سرور انبیا
 محمد مصطفی علی الله علیه واله و سلم ختم فرموده و ولعقات این
 کوب تابان را هر زمان در برجی از بروج اثنا عشریه سپهر فضا مثل
 سایر و درعداری ازین مدارات اندی الظهور دایر نموده، زهی قدری بلند
 و رتبه ستیه ارجمند که دعوات صالحه فانوام صلوات قایحه و تسلمات
 زاکیه نگشته از غبار احمدی و خاک آستنه این پرده داران حرم سرمدی
 کحل الج- و اهر شرف در دیده تکشند پرده حروف و اصوات از پیش
 ایمان بر نگیرند و در نظام اجابت شن پی نبرند. حیداسمو شأن و علو
 مکان که اوایی جمل و ظروف و سلم بیست و هشت پایه حروف از ا حاطه
 عشری از معشار و وصول اولین پایه مدارج عرش معارج اوصاف هر
 یک ازین اشرف تنگ عرصه تر از دیده هور و نارسا ترا از دماغ مخمیه راست.
 همان انب که ادهم قام را ازین بیدای بی منتها مصروف و وجد همت
 بیان را از وادی بی پایان معطوف دارد.

اما بعد بر مشاعر فهم و افغان مشعر توفیق و قرایح صافیه جرعه و شان
 زمزم تحقیق نهفته نیست که ناسکان مناسک تقوی و سالکان مسالك
 سعادت نشانه عقبی را اقدام بمراسم و طایف واجبه و مندوبه و
 تخلیق باخلاق حمیده و مطلوبه در طی هر حالی از احوال و در خلال هر
 فعلی از افعال مطمح نظر و نصب العین است، حتی آنکه جمعی که بکحل
 الجواهر توفیق سرمدی دیده بصیرت ایشان مکتحل است تمتع از ضروریات
 سته بشری و التذاد بمشهیات بدن عنصری بنحوی ارتکاب هیتمایند که به
 دستیاری نیل هر لذتی و مطلوبی برقع از جمال تحصیل واجبی باصندوبی
 میکشاید، مصداق این مقال بمقتضای امر تحدیث بنعمت پروردگارد و الفضال
 احوال باهر الاختلال راقم این مقال صرف تعالی عزین و جلال ارباب کمال

محمدالمشهور بعالی الجیلانی حزین است خفف الله له الامل که با همه اسباب فروماندگی و تفرق مال و انواع آلام و احوال ، یاد آوری دوستان یکدل و حقیقت پژوهی کامل و پاس نیک صحبت یاران خلیل و امصدقای جلیل قدرشناسی هنر هر وضع و بسیل مران داشت که درین صفحات بدگر بعضی از یاران معاصر و ابیات برخی از صاحبان صافی ضمائم که بفکر قویم و طبع مستقیم مایل بانظم آئی اشعار بوده و ازین شراب طهور جامی پیموده اند بردارد ، یادای حق و داد و هم احیای نام و اثبات کلام اندای مقام هریک نموده باشد و هم بحالوت این شکرستان کام تانخ را شیرینی چشاند و در حرارت فرقت ایشان سر انگشت خامه دل اسوده منزل خوبش خراشد و هم حاضران را و آیندگان را وسیله اس و ابسطای باشد، چون این اندیشه بنخاطر آمد از ضیق فرصت برسیدل عجلت شروع افتاد توفیق انجام و قبول طبع نقاد کرام مسئول است و قبل از تفصیل متصود تقدمة سخنی چند ناگزیر :

سخنی نموده که تسوید این اوراق در اواخر سال هزار و یکصد و شصت و پنج هجری (۱۱۶۵) در وقتی که بخت غنوده در شبستان هندتیره روز است تمام افتاده و چون مقصود بذكر معاصرین است مبداء تاریخ ولادت این کساز خواهد بود که در ماه ربیع الثانی هزار و یکصد و سه هجری (۱۱۰۳) بدار السلطنه اصفهان واقع شده و بطون این دهه یون دهم ، طهار شعری هلت اثنی عشر اختصاص خواهد داشت . و چون این اقم آتم را حصول ملاقات و صحبت اکثری رویداده اگر بر سبیل ندرت درین محفل سامی و بزم گرامی ذکر قلبی از عزیزان نرسانم قام آید که اندر آن صحبت صورت ندهسته باشد خالی از اشعار و اشعار خواهد گذاشت .